

نجوم ثوابت ستاره ثابت نمستی یعنی نماز فر مرد ناری زن  
 نُظْم نم را کویند نَسش نام دیو است ضد سروش ایزد است  
 وقتی که مردمی گذشت بر تن او نشیند اورا ریمین کند  
 نیاز نام دیو است که او بر مال مردمان چاره سازی کند  
 5 و برای یک درم سز برادر خود بُرد و مهربانی نکند و بفائده  
 یکدرم خود کسی را صد درم را زیان کند و بر چشم مردمان  
 حقیر می نماید ناخان یعنی ناخن نُظْم نشان باشد ناودا  
 نام رود است نَسپاس ناسپاس باشد نی نه کرچه چوب نه کره که  
 هیربُدان باو برش نوم دهند نُهود نهفتند یعنی نهد و نهان  
 10 کند نای به رام ایزد را کویند نَجاح روائی حاجت و پیروزی  
 ناودانام رود است بسیار عمیق است همیشه پر باشد ا نزار  
 Bl. 138b  
 کنم یعنی لاغر و هلاک کنم نیم خورده پس خورده  
 باب الواو و استرپوشان گروه برزیکران و هان بهان وینش  
 نکرستن بود واج باژ که بوقت طعام می گیرند و یکجست  
 15 کرده اوستاوزند را کویند ور آدران یعنی خاکستر آتش بهرام  
 واجه یک سخن وستا بهندی پت وا یعنی باز و جر جواب  
 واهمان یعنی فلان و همان یعنی فلان و هوپنج یعنی پنج که  
 ویم بیم وزند کزند ویشتر بیشتر ویدا ناپیدا باشد ویش  
 بیش واران باران وزارد یعنی گذارد وینزه خالص وزرد یعنی  
 Bl. 139a  
 20 قبول کند و زدید دو معنی دارد زن شکست و جدا کشت وید  
 نایینا بود وداخت یعنی گداخت و لومند یعنی مستوجب  
 عقوبت ووس بسیار ورج نیرو تیز و انیداران ناپیدا کنندگان  
 ورزم کنم و خشور پیغمبر را کویند ویری هشیاری ویاوان  
 بیابان وفادان بود و سنی کونه وجر کوشن حکم کنندگان  
 25 وستر خامه را کویند وری بچه میش را کویند وام قرض<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Ms. مستجب

<sup>2</sup> Ms. کرض